

هجر و ضرب زوجه در قرآن و روایات

زهرا شاهپوری حیدرلو

چکیده

خانواده رکن اساسی در سلامت و رشد جوامع است. اهمیت خانواده در تمام ادیان الهی مورد توجه قرار گرفته است. دین مبین اسلام برای حفظ این بنیان مقدس و مهم دستورات متعدد فقهی و اخلاقی بیان کرده است.

یکی از مشکلات خانوادگی، نشوز و سرپیچی زن از انجام تکالیف خویش است. شارع مقدس در قرآن کریم برای نشوز زن سه راه حل بیان کرده است که طبق نظر فقها و مفسران باید ترتیب و شرایط دقیق آن رعایت شود. این سه راه عبارتند از؛ موعظه، هجر و ضرب.

در این نوشتار ادله ی هجر و ضرب و نیز کیفیت و شرایط آن به دقت بررسی شده است و در انتها به شبهه ی تنافی ضرب زوجه با کرامت زن و آزادی زن در خانواده نیز پاسخ داده شده است.

کلمات کلیدی:

قرآن کریم، خانواده، ضرب، هجر، نشوز زن، کرامت زن، آزادی زن

۱	 مقدمه
۲	 فصل اول: کلیات و مفاهیم
۲	 گفتار اول: کلیات
۲	 تبیین موضوع و ضرورت آن
۴	 اهداف تحقیق
۴	 پیشینه تحقیق
۵	 سوالات تحقیق
۶	 گفتار دوم: مفاهیم
۶	 معناشناسی هجر
۷	 معناشناسی نشوز
۸	 نشوز در قرآن
۹	 نشوز در روایات
۱۰	 فصل دوم: حکم هجر و ضرب زوجه و شرایط آن
۱۰	 گفتار اول: جواز هجر و ضرب زن
۱۰	 دلیل اول: قرآن
۱۱	 دلیل دوم: روایات
۱۲	 ادله اعتبار شهرت فتوائی
۱۲	 تفصیل بین قدما و متأخرین

۱۳	 دلیل سوم: اجماع
۱۴	 گفتار دوم: شرایط هجر و ضرب زوجه
۱۴	 نشانه های نشوز
۱۶	 نوع نشوز زن
۱۶	 مراتب وعظ، هجر و ضرب
۱۷	 اقوال فقهاء در مسأله
۱۹	 فصل سوم: کیفیت هجر و ضرب زوجه و شبهات مربوطه
۱۹	 گفتار اول: کیفیت هجر و ضرب زوجه
۱۹	 کیفیت هجر
۲۰	 کیفیت ضرب
۲۰	 حدّ و شدّت ضرب
۲۱	 دلیل فقهاء بر تقیید ضرب
۲۲	 قصد زوج هنگام ضرب
۲۴	 اضرار ضرب زوجه
۲۴	 بیان شهیدثانی(ره) درباره ضرب با چوب سواک
۲۵	 گفتار دوم: بررسی شبهات مرتبط با هجر و ضرب زوجه
۲۵	 تنافی هجر و ضرب با کرامت زن
۲۵	 اقسام کرامت
۲۷	 رفع تنافی هجر و ضرب با کرامت زن

۲۸ تنافی هجر و ضرب با آزادی زن

۲۸ مفهوم آزادی

۲۹ آزادی در اسلام

۲۹ انسان شخصیتی مستقل و آزاد

۲۹ انسان و اختیار ذاتی

۳۰ آزادگی خانوادگی زن در اسلام

۳۱ نتیجه گیری

۳۳ کتابنامه

قرآن کریم سند جاودانه‌ی تکامل بشر و نزول کامل‌ترین و جامع‌ترین دین آسمانی است که در درون خود تمام آنچه که انسان برای زندگی بهتر نیاز دارد را مطرح کرده است. خداوند متعال در کتاب شریف قرآن یکی از مهمترین مسائلی که آیات بسیاری را به آن اختصاص داده است، روابط بین انسان‌ها است.

خانواده به عنوان هسته‌ی اولیه جوامع انسانی و مهمترین رکن سلامت اجتماع بسیار مورد توجه شارع مقدس بوده است. قانونگذار الهی برای حفظ این بنیان مقدس، رشد و تکامل عاطفی و معنوی آن دستوراتی را ارائه داده است ولی از این نکته نیز غافل نشده است که گاه بین زن و مرد به عنوان ارکان این بنیان مقدس، ناسازگاری‌هایی پیش می‌آید که باید با جدت با آنها برخورد کرد.

وضع قوانین بازدارنده در برابر اشتباهات زن و مرد امری ست عقلانی و مورد پذیرش تمام آنان که از عقلی سلیم برخوردارند.

شارع مقدس در عین حالی که به شأن و جایگاه و کرامت ذاتی انسان‌ها اعم از زن و مرد اذعان دارد، ولی این نکته را نیز مغفول قرار نمی‌دهد که همین انسان با کرامت و شخصیت در صورت تبعیت از هوای نفس و شیطان درونی و بیرونی ممکن است دست به کارهایی بزند که نه تنها خود بلکه اطرافیان را نیز از رده کرده و حقوق آنها را از بین ببرد.

در این مقاله به دنبال بررسی و تحلیل حکم الهی جواز ضرب و هجر زوجه در صورت نشوز هستیم و می‌خواهیم ادله، کیفیت، شرایط و لوازم آن را تبیین کنیم تا اشکالات و شبهاتی که ناشی از کج فهمی در این مسئله هست را دفع و رفع کنیم.

در انتهای آیه نیز با آمدن جمله ی : «فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْتَغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا» : «پس اگر از شما تبعیت کردند راهی بر علیه آنان نیمایید» می خواهد بگوید که اگر زن در اواسط یا اواخر این تنبیه ها متوجه اشتباه خود شد و به آغوش خانواده برگشت، دیگر هیچ بهانه جویی نکنید و آن ها را تحقیر و اذیت ننمایید و به طلاق فکر نکنید چون دیگر دلیلی بر این کارها نیست.

این دلیلی است آشکار بر حمایت قوی شارع مقدس از حق و حقوق و کرامت زن در خانواده. پس هجر و ضرب زن ناشزه با آزادی خانوادگی او هیچ منافاتی ندارد بلکه راهی است برای کمک کردن به او و جلوگیری از طلاق.

نتیجه گیری

از جمیع مباحثی که ارائه دادیم روشن شد که نهاد خانواده، در هر جامعه‌ای به ویژه جوامع دینی به علت کارکردهای فراوانی که در تربیت و سلامت روحی و روانی افراد دارد، بسیار مورد توجه و عنایت قرار گرفته است. ادیان الهی به ویژه دین مبین اسلام برای بقاء و تحکیم بنیان خانواده قوانین فقهی، حقوقی و اخلاقی زیادی را وضع کرده است.

یکی از آیات مهم در بیان قوانین حل تعارض بین زن و مرد، آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء می باشد که در این آیه خداوند متعال برای مقابله با زنی که در برابر شوهر خود گردن فرازی و گستاخی می کند سه قانون وضع می نمایند:

۱. نصیحت کردن و پند دادن در ابتدای امر

۲. جدا کردن بستر خواب و ابراز قهر

۳. زدن زوجه در صورت تاثیرگذار نبودن راه های دیگر {با رعایت شرایط دقیق آن }

با ارائه ی تحلیل ها و تفسیر های متعدد روشن شد که این قوانین هر چند به ظاهر به ضرر زن است ولی در واقع برای حفظ بنیان خانواده است که آن هم برای حفظ نفع و شخصیت و آرامش زن می باشد.

چنانچه فلسفه نزول این آیه را چنین دانستیم، مسلماً می توان گفت که افراد در شرایط مختلف به گونه ای باید عمل کنند که مخالف این فلسفه نبوده و به اصطلاح نقض غرض رخ ندهد. به بیان دیگر، شیوه ارایه شده در این آیه زمانی کاربرد دارد که مغایرت با فلسفه آیه نداشته باشد؛ چراکه در گفتار فقها مشاهده شد که علت جواز ضرب را نوعی رویکرد تربیتی دانسته و اجازه اعمال زور و انتقام جویی به مرد داده نشده است.

با این اوصاف چنانچه حتی همان مرتبه از ضرب هم منجر به اذیت و رنجش زن باشد، به گونه ای که دیگر حاضر به سازش نشده و چه بسا تصمیم به ترک زندگی مشترک بگیرد، مسلماً این راه کار، مناسب این شرایط نخواهد بود؛ البته

نمی‌توان قایل به نسخ آیه بود، بلکه می‌توان مفهوم آن را این‌گونه جمع کرد که هرگاه زوج اطمینان داشت که با چنین رفتاری زوجه خود را ملزم به رعایت حقوق زوج خواهد دانست و این برخورد آسیبی به روابط بین زوجین نخواهد زد، می‌تواند چنان‌چه راه‌حل دیگری نیافت، اقدام به این عمل کند.

امیدوارم که خداوند متعال نور معرفت و محبت خود را در دل‌های تمام زنان و مردان سرزمینم شعله‌ور کند و مودّت و محبت بین زوجین را عمیق و وسیع کند تا با بهره‌گیری از محبت الهی و معرفت خدایی بر مشکلات و سختی‌های زندگی فائق آیند.

به امید تعجیل در فرج مولای غایب و مظلوم

مهدی صاحب‌الزمان (روحی له العزاء)

❖ قرآن کریم

❖ نهج البلاغه

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دارصادر، بیروت، ۱۴۱۴ق، چاپ سوم
۲. تاج الدین شعیری، جامع الاخبار، انتشارات رضی، قم، ۱۴۰۵ق، چاپ اول.
۳. حکیم باشی، حسن، آیه نشوز و ضرب زن از نگاهی دیگر، پژوهش های قرآنی، بهار و تابستان ۱۳۸۰، شماره ۲۷ و ۲۸، صفحات ۱۰۲ الی ۱۳۱.
۴. خمینی، روح الله، انوارالهدایه، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران، ۱۴۱۵ق.
۵. خمینی، روح الله، تحریرالوسیله، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران، ۱۴۱۳ق.
۶. خمینی، سید مصطفی، تحریرات فی الاصول، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۸ق
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات فی غریب القرآن، دارالعلم الدار الشامیه، دمشق بیروت، ۱۴۱۲ق، چاپ اول
۸. سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، فی ظلال القرآن، نشر دارالشروق، بیروت، ۱۴۱۲ق، چاپ هفدهم.
۹. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ق، چاپ دوم.
۱۰. صدر، سید محمد باقر، دروس فی علم اصول، دارالمنتظر، بی جا، ۱۴۰۵ق
۱۱. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۷ق، چاپ پنجم

۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، تهران، ۱۳۷۷ش،

چاپ اول

۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ش، چاپ سوم.

۱۴. طوسی، محمد بن حسن، المبسوط، ۸ جلد، المكتبة المرتضوية لاحیاء آثار الجعفریه، ۱۳۸۷ه ق، چاپ سوم، تهران

ایران

۱۵. عاملی، محمد بن مکی، اللمعه الدمشقیه فی فقه امامیه، دارالتراث_الدارالاسلامیه، ۱۴۱۰ه ق، نوبت اول،

بیروت_لبنان

۱۶. عاملی، زین الدین بن علی، مسالک الافهام، ۱۵ جلد، موسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۳ه ق، چاپ اول.

۱۷. غروی، سید محمد جواد، مبانی حقوق در اسلام، نشر جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۷، مبحث آزادی در اسلام، ص ۳۲۴

۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، انتشارات هجرت، قم، ۱۴۱۰ق، چاپ دوم

۱۹. فضل الله، سید محمد حسین، من وحی القرآن، دارالملاک للطباعه و النشر، بیروت، ۱۴۱۹ق، چاپ دوم

۲۰. فیض کاشانی، ملامحسن، الاصفی فی تفسیر القرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۱۸ق، چاپ

اول

۲۱. فیض کاشانی، ملامحسن، تفسیر صافی، انتشارات صدر، تهران، ۱۴۱۵ق، چاپ دوم

۲۲. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ش، چاپ ششم

۲۳. قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۳ش، چاپ یازدهم

۲۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتاب، قم، ۱۳۶۷ش، چاپ چهارم

۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ش، چاپ اول.

۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، انوارالاصول، مقرر: احمد قدسی، نشر مدرسه الامام علی بن ابیطالب، قم، ۱۴۲۸ق، چاپ

دوم.

۲۷. نائینی، محمد حسین، فوائد الاصول، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۷ق.

۲۸. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام : ۱۴۰۴هق، داراحیاء التراث العربی، ۴۳ جلد، چاپ هفتم، بیروت لبنان، محقق و

مصحح: عباس قوچانی_ علی آخوند.